

# اعضای تحریک طالبان پاکستانی در لباس داعش در افغانستان

رحیم حمیدی



بر لانه‌های این گروه ممکن گردید. از آغاز مبارزه با تروریسم و شکل‌گیری حکومت جدید در افغانستان هیچ گامی سخن از زمینه‌های اجتماعی افراط‌گرایی و دهشت‌افکنی در افغانستان پرسش به میان نیامد و جدی گرفته نشد. واقعیت امر این است که حضور داعش در افغانستان با همکاری شهروندان افغانستان ممکن گردید. شهروندان افغانستان اعضای تحریک طالبان پاکستان و جنبش اسلامی ازبکستان را به عنوان مهمان به خانه‌های شان راه داده‌اند و حتی عقاید و باورهای آن‌ها را پذیرفته و پیروی نموده است. از این جهت، مسئله تنها کشتن تروریستان و مبارزه نظامی با آن‌ها نیست. مسئله بنیادی‌تر اما، این است که چگونه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی بنیادگرایی و افراطیت را از میان برداریم تا گروه‌های بنیادگرا و افراطی جایگاهی در جامعه افغانستان نداشته باشند و نتوانند در هیچ یک از

روستاهای کشور نفوذ نموده و آن را پایگاه جنگ علیه نیروهای امنیتی کشور قرار دهد. بزرگترین غفلت ما در مبارزه با تروریسم و دهشت‌افکنی در ۱۵ سال گذشته همین مسئله بوده است. ما کمتر ساخت مکتب، دانشگاه و حفظ و نظارت بر مواد درسی آن را جدی گرفته ایم. ما بیش از همه تأکید بر نیروی نظامی نمودیم و تلاش ورزیدیم که ۲۵۲ هزار سرباز داشته باشیم تا بتوانیم از این طریق پیروز جنگ افغانستان شویم. اکنون نیز، ما مبارزه نرم را دهشت‌افکنی را جدی نگرفته‌ایم و همواره بر قدرت نظامی و جنگ سخت افزازی تأکید می‌کنیم. در پایان باید اشاره کنیم که حکومت وحدت ملی بسیاری از مسئولیت‌های را در جلوگیری از نفوذ داعش در افغانستان انجام نداده است. فقدان کنترل مرزها منجر به جابجایی افراط‌گرایان از کشورهای همسایه به افغانستان شده است. در مبارزه با تروریسم هیچ گونه هماهنگی با کشورهای همسایه نداشته است. به گروه داعش فرصت بال و پر گشودن را داده است. همه این موارد نشان می‌دهد که حکومت ضعف جدی در مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و دهشت‌افکنی دارد.

همه مسائل دیگر بگذریم این مسئولیت حکومت افغانستان است که از مرزهایش کنترل و مراقبت نماید تا هر کس بدون مجوز قانونی وارد کشور نگردد. در کنار اینکه حکومت افغانستان ضعف جدی در کنترل مرزهایش دارد در مبارزه با تروریسم و دهشت‌افکنی نیز با مشکلات زیادی مواجه بوده است. از جمله اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین مشکلات عدم هماهنگی و روابط با کشورهای همسایه است. پاکستان عملیات ضرب عقب را راه اندازی نمود اما، هیچ هماهنگی میان دو کشور وجود نداشت. ما بیش از هر کشور دیگری قربانی تروریسم و دهشت‌افکنی بوده‌ایم. بنابراین، ما باید دیپلماسی فعال داشته باشیم تا کشورهای همسایه را متقاعد سازیم که با افغانستان به صورت هماهنگ در مبارزه با تروریسم عمل نمایند. نتیجه ملموس فقدان هماهنگی وجود ۷۰ درصد اعضای گروه داعش از اعضای تروریسم پاکستانی در کشور می‌باشد. این یک خلاء جدی در امر مبارزه با دهشت‌افکنی و تروریسم در افغانستان بوده است. مسئول بر کردن این خلاء، حکومت افغانستان است. تا عدم سازماندهی عملیات

بدرت شد. حکومت پاکستان با وجود راه اندازی عملیات علیه گروه‌های افراط‌گرا اما، همواره از سوی کابین متهم به حمایت از گروه‌های مخالف مسلح حکومت کابل بوده است. ادعای مقامات در کابل این است که در عین عملیات مخالفان مسلح حکومت افغانستان از منطقه جابجا می‌شود و به منطقه امن جاسازی می‌شود. با وجود دست داشتن سازمان استخباراتی ارتش پاکستان در نامی‌های افغانستان چند واقعت تلخ دیگر وجود دارد که نشان می‌دهد که ما خود در مبارزه با تروریسم و دهشت‌افکنی ضعیف ظاهر شده‌ایم. تعدادی زیادی از گروه‌های شورشی از پاکستان به افغانستان مهاجرت کرده‌اند. بر اساس اظهارات جان نیگلسون، فرمانده طالبان پاکستانی می‌باشد. جابجایی عمومی نیروهای بین‌المللی در افغانستان در صد اعضای گروه داعش تحریک طالبان پاکستانی می‌باشد. جابجایی ۷۰ درصد اعضای گروه داعش از اعضای تروریسم پاکستانی در کشور می‌باشد. این یک خلاء جدی در امر مبارزه با دهشت‌افکنی و تروریسم در افغانستان بوده است. مسئول بر کردن این خلاء، حکومت افغانستان است. تا عدم سازماندهی عملیات

جنرال جان نیگلسون، فرمانده عمومی نیروهای بین‌المللی در افغانستان اعلام کرد که ۷۰ درصد جنگجویان گروه داعش از اعضای تحریک طالبان پاکستانی می‌باشد. او توضیح داد که بر اثر عملیات ضرب عقب در پاکستان اعضای گروه داعش را گرفته‌اند. او در کنار اعضای تحریک طالبان پاکستانی از جنبش اسلامی ازبکستان نیز در صفوف گروه داعش در افغانستان سخن گفت. چندی قبل، اشراف غنی، رئیس‌جمهور نیز اظهار داشت که بر اثر عملیات ضرب عقب در پاکستان بسیاری از تروریستان به افغانستان جا بیجا شده است. پرسش این است که آیا امکان امنیت، مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر، می‌تواند فاز جدیدی را در وضعیت امنیتی افغانستان به وجود آورد. در زمانی که گروه‌های تروریستی به نام‌ها و عناوین مختلف می‌خواهند آتش جنگ را شعله‌ور و ترس‌ساز و قلمرو نامنی را گسترده‌تر سازد، این نوع همکاری‌ها می‌تواند توان حکومت را برای مقابله با تروریسم افزایش دهد.

ما در این زمان از لحاظ سیاسی، لحظات پرآشوبی را سپری می‌کنیم. وقتی آشوب سیاسی بر تهدیدات امنیتی علاوه شود، نگرانی جدی را نسبت به آینده به وجود می‌آورد. در این شرایط افغانستان بیشتر از قبل به هماهنگی‌های داخلی و همکاری‌های جامعه جهانی نیازمند است. نگاه اجمالی به یک و نیم دهه حکومتداری در افغانستان نشان می‌دهد که در این مدت اگرچه انکشافات قابل ملاحظه‌ای در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی رونما گردیده است؛ اما این تغییرات و تحولات در برابر زمینه‌ها و فرصت‌هایی که در اختیار دولت قرار داشت و امکاناتی که در اختیار دولت قرار می‌گرفت، بسیار ناچیز می‌باشد. با آن هم مردم افغانستان در برابر ناکارایی‌های حکومت واکنش‌های نامناسبی نشان ندادند و تنها به انتقاد و ابراز نارضایتی از کارکردها بسنده می‌کردند و آرزو داشتند که دولت با شنیدن صدای اعتراض مردم به ضعف‌ها و نارسایی‌های خود توجه کنند. گذشت یک و نیم دهه، زمان کمی نیست. در این مدت مردم می‌خواستند که وضعیت کشور از هر لحاظ با تغییرات و دگرگونی‌های مثبت مواجه گردد. توقف روند بازسازی از یکسو و نگاه واپس‌گرایانه دولتمداران از سوی دیگر، این نگرانی را تقویت کرده است که تحولات سیاسی کشور از لحاظ برخورداری مردم از آزادی‌های سیاسی و مدنی، بار دگر به سمت گذشته تارک سوق داده نشود. سیاست‌های نامشایسته، نسنجیده و عاقبت‌نا اندیشانه دولتمداران کشور سبب شده که سیاست‌های داخلی و خارجی کشور با نوعی افراط و تفریط همراه گردد. رویکردهای افراطی که طی سال‌های اخیر در قالب برنامه‌های مختلف در افغانستان به اجرا در می‌آید به این نگرانی دامن زده است که سیاست‌های یکجانبه و اقتدارگرایانه حکومت در قبال مسائل ملی، ممکن است ارزشهای دموکراسی و حقوق بشر را تحت شعاع موضوعات سیاسی دیگر قرار داده و آن را کم‌رنگ سازد.

## مدارا و مسؤلیت روشنفکر

کارل ریچموند پوپر / ترجمه: محسن محمودی / قسمت چهارم و پایانی

درک که نظریه یا تکنیک خوش‌اثباتی که با توفیق مورد استفاده قرار گرفته اشتباه می‌باشد، ممکن است کشفی مهم باشد. ۵. پس ما باید رویکرد خود به اشتباه را اصلاح کنیم، اینجاست که اصلاح اخلاقی و عملی ما باید آغاز شود. چون رویکرد اخلاقی حرفه‌ای قدیمی خواهان ماست‌مالی اشتباهات ماست، مخفی نگه‌داشتن و فراموش کردن آن‌ها محتمل می‌شود. ۶. اصل بنیادین جدید آن است که به منظور یادگیری برهیز از اشتباه باید از اشتباهات خود دور نگیریم، ماست‌مالی کردن اشتباهات بزرگ ترن گناه فکری است. ۷. ما باید همیشه دنبال اشتباه بگردیم، وقتی آن‌ها را می‌یابیم باید به یادشان بسیاریم، باید آن‌ها را تحلیل کنیم تا به عمق چیزها برسیم. ۸. نگاه‌داشت رویکرد خودانتقادی و کمال فردی یک وظیفه است. ۹. از اشتباهات خود درس گرفتن منوط به پذیرش حق‌شناسانه اشتباهاتی است که دیگران از ما می‌گیرند، وقتی هم برعکس، ما توجه دیگران را به اشتباهاتمان جلب می‌کنیم همیشه باید به یاد داشته باشیم که ما هم اشتباهاتی مشابه داشته‌ایم و باید به یاد داشته باشیم که بزرگ‌ترین دانشمندان هم اشتباه کرده‌اند. یقیناً منظور من آن نیست که اشتباهات ما معمولاً قابل بخشایش هستند، ما نباید هرگز بی‌توجهی پیشه کنیم، ولی برای انسان‌ها غیرممکن است از اشتباه برهیز کنند. ۱۰. باید با خودمان صادق باشیم؛ برای کشف و اصلاح اشتباهات خود به دیگران نیاز داریم (همان‌طور که آنان هم به ما نیاز دارند). به خصوص آنانی که با ایده‌های متفاوت و در محیطی متفاوت بزرگ شده‌اند، این منجر به تساهل می‌شود. ۱۱. باید یسار بگیریم که بهترین نقد، خودانتقادی است؛ اما نقد از سوی غیر هم ضروری است و تقریباً به قدر خودانتقادی خوب است. ۱۲. نقد عقلانی همیشه باید خاص باشد، باید دلیل خاصی بدهد که چرا احکام و فرضیه‌های خاص، غلط و گزاره‌هایی خاص، نامعتبر به نظر می‌رسند. به این مسئله باید از راه ایده‌ی نزدیک‌تر شدن به حقیقت غیری نزدیک شد؛ در این معنا، دلیل باید شخصی‌شخصی باشد.



ماست‌مالی می‌کند.

### VII

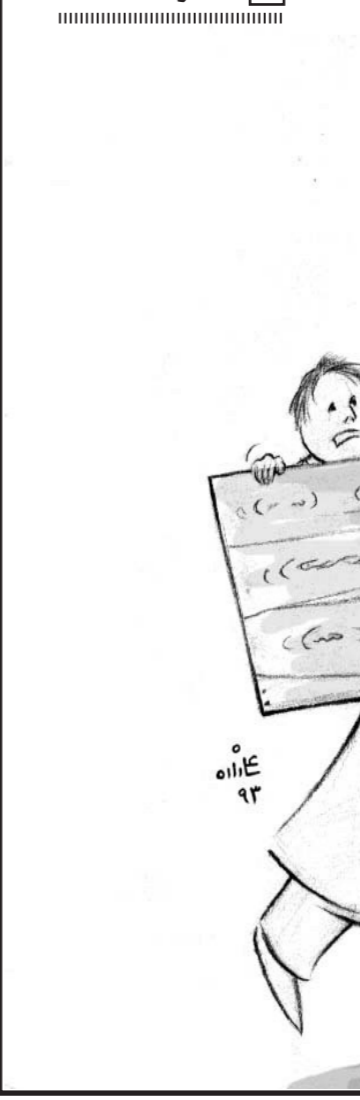
به همین دلیل است که می‌گویم عمدتاً برای دانشمندان و نه فقط برای آنان، نیاز به یک اخلاق حرفه‌ای جدید داریم. حرف من این است که آن اخلاق حرفه‌ای جدید باید مبتنی بر ۱۲ اصل ذیل باشد. اصولی که سخنرانی خود را با آن‌ها به پایان می‌رسانم. ۱. معرفت عینی و حدسی ما هرچه بیشتر، بیشتر ورای آن محدودی می‌رود که یک فرد بتواند بدان مسلط باشد، خلاصه اینکه «قدرتی» نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ این در موضوعات تخصصی هم صدق می‌کند. ۲. برهیز از اشتباهات غیرممکن است، حتی برهیز از آن اشتباهاتی که فی‌نفسه اشتباه می‌کنند. همدی دانشمندان دائماً اشتباه می‌کنند. این ایده قدیمی که آدم می‌تواند از اشتباه بپرهیزد و وظیفه‌اش با برهیز از آن‌ها پیوندد خورده باید اصلاح شود، خود همین حرف اشتباه است. ۳. البته که وظیفه‌ی ما (در صورت امکان) برهیز از اشتباه است، باید از آن‌ها برهیز کنیم و مهم‌تر از همه آن است که آگاه باشیم برهیز از آن‌ها چقدر سخت است و کسی نمی‌تواند در این برهیزگاری توفیق کامل به دست آورد، حتی خلاق‌ترین دانشمندی که بشود، چراغ راهشان است هم چنین وضعی دارند، بشود ممکن است آنان را گمراه سازد. ۴. حتی در آن نظریاتی که به‌خوبی اثبات شده‌اند ممکن است اشتباهاتی مضم‌ر باشد؛ وظیفه‌ی خاص دانشمندان، جست‌وجوی چنین اشتباهاتی است. این

هر دو اخلاق حرفه‌ای جدید و قدیم مسلمان مبتنی بر مفاهیم حقیقت، عقلانیت و مسؤلیت فکری هستند، اما اخلاق قدیمی مبتنی بر ایده‌های معرفت شخصی معرفت یقینی و بنا براین، مبتنی بر ایده‌ی اقتدار بود، درحالی‌که اخلاق جدید مبتنی بر ایده‌های معرفت عینی و معرفت غیریقینی است؛ این دل‌بسر تغییری بنیادین در زیربنای اندیشیدن و متعاقباً در زیربنای ایده‌های حقیقت، عقلانیت و صداقت فکری و کارکرد روشن‌فکران است. ایندال قدیمی، تصاحب حقیقت (حقیقت یقینی) و در صورت امکان، اثبات حقیقت از راه برهانی منطقی بود؛ این ایندال که امروزه وسیعاً پذیرفته شده، ایده‌ی خرد فـردی، ایده‌ی فرد فرزانه است، البته نه «خرد» در معنای سقراطی بل در معنای افلاطونی؛ فرزانه‌ای که اقتدار دارد؛ فیلسوف آموزش‌دهنده‌ای که ادعای قدرت دارد؛ فیلسوف شاه. فرمان قدیمی خطاب به روشن‌فکران چنین بود: اقتدار داشته باش! در رشته‌ی خودت همه چیز را بدان! وقتی شما را به‌عنوان یک اقتدار بشناسند، اقتدارتان توسط همکارانتان پاس داشته می‌شود و البته شما هم باید از اقتدار همکاران خود حفاظت کنید. اخلاق قدیمی‌ای که توصیفش می‌کنم جای برای اشتباه نمی‌گذارد، کسی اجازه ندارد خطا کند؛ در نتیجه، نباید به اشتباه ادعا کرد، نیازی به این تأکید نیست که اخلاق حرفه‌ای قدیمی نامتساهل است، همیشه به لحاظ فکری ناصداق است، چراکه برای حفظ اقتدار (به خصوص در پزشکی و سیاست) هر اشتباهی را

امید داشته باشم از شما چیز بیاموزم و اگر بخوام به خاطر نفس حقیقت بیاموزم، سپس نه فقط به شما تساهل ورزیدم بل شما را به‌عنوان یک هم‌طرز بالقوه به رسمیت شناختم؛ وحدت بالقوه و برابری همه‌ی انسان‌ها تا حدی پیش‌نیاز اراده‌ی ما به بحث عقلانی است. اصلی که ما می‌توانیم از بحث بیاموزیم هم مهم است، هر چند در نهایت آن بحث منتهی به توافق نشود؛ یک بحث می‌تواند به ما در بر تو افکند بر اشتباهاتمان کمک کند. پس اصول اخلاقی است که پایه‌ی علم را شکل می‌دهند. ایده‌ی حقیقت به‌عنوان اصلی تنظیمی (اصل هادی تحقیق) ما می‌تواند اصلی اخلاقی تلقی شود. تعقیب حقیقت و ایده‌ی نزدیک شدن به حقیقت هم اصولی اخلاقی‌اند؛ ایده‌های کمال فکری و جایز‌الخطا بودن که ما را به خودانتقادی و مدارا هدایت می‌کنند به‌همچنین. اینکه بتوانیم در حیطه‌ی اخلاق چیز بیاموزیم هم خیلی مهم است. VII مشتاقم با مثالی اخلاقی به روشن‌فکران که به خصوص روشن‌فکران حرفه‌ای اثبات کنیم که برای دانشمندان، پزشکان، وکلا، مهندسیان و معماران یک اخلاق وجود دارد، همچنین برای خادمان کشوری و مهم‌تر از همه برای سیاستمداران. مشتاقم اصولی از یک اخلاق حرفه‌ای جدید را پیش روی شما بگذارم، اصولی که بسیار با مفاهیم مدارا و صداقت فکری قرابت دارند، با این قصد، اول اخلاق حرفه‌ای قدیمی را منشن‌نمای می‌کنم و شاید حتی آن را کمی کاریکاتوروا نشان دهم، سپس آن را با اخلاق حرفه‌ای جدید که ادعای خودم است مقایسه می‌کنم.

۲. اصل بحث عقلانی: ما می‌توانیم تا آنجا که ممکن است به نحو غیرشخصی بگوئیم کفهی دلایل خود را علیه فلان نظریه سنگین کنیم، نظریه‌ای که معین و قابل نقد باشد. ۳. اصل نزدیکی به حقیقت: ما تقریباً همیشه می‌توانیم در بحثی که در آن حملات شخصی مطرح نشود به حقیقت نزدیک‌تر شویم؛ این به ما کمک می‌کند تا فهم بهتری به دست آوریم، حتی در مواردی که در نهایت به توافق منجر نمی‌شوند. شایان ذکر است که این ۳ اصل، اصولی معرفت‌شناختی و اخلاقی هستند، برای همین است که آن‌ها به خیلی چیزها از جمله مدارا دلالت می‌کنند: اگر من

### کارتون روز



اعتقاد سیاست‌های روزمره و زودگذر و متکی بر سلیقه‌های شخصی، اعتبار دولت افغانستان را در نزد جامعه بین‌المللی پایین آورده و از میزان اعتماد کشورها به دولت افغانستان می‌کاهد. سیاست‌های یکجانبه و بیگانه با اصول روابط بین‌المللی و مغایر با معیارهای دیپلماتیک می‌تواند تکانه شدیدی را در روابط بین‌المللی کشور وارد ساخته و ثبات و پایداری نظام سیاسی را دچار بی‌ثباتی و بحران سازد. اعتمادسازی اصل مهم در بهبود مناسبات خارجی به حساب می‌آید و این اعتماد زمانی به وجود می‌آید که سیاست‌های خارجی کشور روی معیارها و اصول پذیرفته شده و دوامدار سیاسی استوار باشد و در چارچوب زمانی خاص محدود و معصور نماند. آگاهی از اصول و معیارهای سیاست بین‌المللی و داشتن قدرت تحلیل از اوضاع کشور و پتانسیل‌های آن و درک شرایط منطقه و جهان می‌تواند اتخاذ یک شیوه میانه‌روانه سیاسی را تسهیل نماید.

### میراث جنگ

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده  
دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

افغانستان The Daily Afghanistan  
Daily Outlook AFGHANISTAN  
The Leading Independent Magazine

روزنامه‌افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید.  
هیئت تحریر و ویرایش مطالب دست باز دارد.  
مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود.  
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگور دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.  
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.  
www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com